

Iran Fitna in the Qur



فتنه در قرآن

همه از غر ببال ر دنمی شوند

محبوبه ابراهیمی

اشاره

واژه «فتنه» عموماً تداعی گر سلسله تدابیر و اقداماتی است که به منظور ایجاد تفرقه و نفاق میان دو فرد و یا اجتماع انجام می شود. بر این اساس می توان اقدامات داخلی و خارجی در راستای به هم زدن وحدت دینی و ملی افراد جامعه را «فتنه» نامید که به آشوبگری و تخریب می انجامد. قرآن کریم به عنوان جامع ترین کتاب آسمانی، بی شک از این واژه بی بهره نبوده و از این رو «فتنه» و مشتقات آن در قرآن، قابل جست و جو و بررسی می باشد. گفتار پیش رو به بررسی مصادیق «فتنه» در قرآن و راهکارهای این معجزه نبوی در برخورد با فتنه و فتنه گران می پردازد.

فتنه در فرهنگ زبان فارسی کاربرد فراوان دارد و به معنای امتحان کردن، آزمودن، گمراه کردن، ضلالت، اختلاف میان مردم، آشوب، محنت و عذاب است.^۱ در روض الجنان، فتنه این گونه معنا شده است: «اصل فتنه» امتحان باشد و آزمایش و آن بلیت [بلاهایی] که باطن آدمی به آن پیدا شود را فتنه خوانده و خصلتی و حالتی که به پدید آمدن آن، مردمان به یکدیگر ظلم کنند.^۲ علاوه بر این، اصل واژه فتنه به معنای گداختن طلا در آتش به منظور جدا کردن خالصی ها و ناخالصی هاست.^۳

این واژه در قرآن نیز دارای معانی متعدد است که در یک جمع بندی کلی می توان پنج عنوان آزمایش؛ عذاب و یا اسباب عذاب؛ ایجاد فساد و نفاق؛ بلا و شرک به خدا را معانی کلی فتنه در قرآن نامید. در تمامی موارد کاربرد فتنه در قرآن، به ویژه در آن جا که متضمن معنی آزمایش است، معنای گداخته شدن طلا به منظور جدا شدن خوبی آن از ناخوبی به نحوی گنجانده شده است. از سوی دیگر گاهی فتنه در قرآن در جایگاهی استعمال می شود که به فعل صادره از سوی خداوند نسبت داده شده و در این موارد دارای حکمت و تدبیر الهی است و معمولاً با معنای آزمایش همراه است. در مواردی فتنه به اعمال بندگان نسبت داده شده که مورد مذمت پروردگار است. به هر تقدیر در هر دو صورت، با یکی از معانی پنج گانه مذکور مطابقت دارد.

فتنه به معنای آزمایش و امتحان الهی

«در قرآن کریم [فتنه با بیست گونه استعمال، شصت بار تکرار شده و کمتر از یک چهارم آن به طور مشخص معنای آزمایش دارد].^۴ گاه فتنه به معنای آزمایش و گاه به معنای اسباب آزمایش به کار رفته است. قرآن کریم سه چیز را فتنه و وسیله آزمایش معرفی می کند:

۱. اموال و فرزندان
وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ [انفال / ۲۸]؛ و بدانید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایشند.
إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ [تغابن / ۱۵]؛ جز این نیست که اموال و اولاد شما وسیله آزمایشند.

۲. شر و نیکی
وَنَبَلُواكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً [انبیاء / ۳۵]؛ و با خیر و شر شما را امتحان می کنیم.

«در روایت است که علی (علیه السلام) بیمار شد. دوستانش عیادتش کردند. پرسیدند: یا امیر المؤمنین حالت چطور است؟ فرمود شر است. گفتند: این کلام بسز او را شما نیست. فرمود: خداوند می فرماید: وَنَبَلُواكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً پس خیر؛ تندرستی و ثروت است و شر؛ بیماری و فقر است.»^۵

۳. بعضی وسیله آزمایش بعضی دیگر
وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً [فرقان / ۲۰]؛ و بعضی از شما را وسیله

آزمایش بعضی دیگر قرار دادیم.
وَ كَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ [انعام / ۵۳]؛ و این چنین بعضی از آن ها را با بعضی دیگر آزمودیم.

در آیات متعدد دیگری نیز فتنه به معنای آزمایش استعمال شده است. برخی از این موارد عبارتند از:
وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً [مدثر / ۳۱]؛ مأموران دوزخ را جز فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آن ها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم.

سیاق آیه شهادت می دهد بر این که مردم بعد از شنیدن آیه قبل که درباره عدد خازنان دوزخ بوده، درباره خازنان بگو مگو کرده اند، در نتیجه آیه نازل شد.^۶
وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمَلَكِینَ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ [بقره / ۱۰۲]؛ و آنچه را به دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شده یاد می دادند و آن دو ملک به هیچ کس چیزی نیاموختند؛ مگر آن که به او می گفتند که کار ما فتنه و امتحان است.

وَ إِنْ أَدْرَى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ [انبیاء / ۱۱۱]؛ و من نمی دانم شاید این ماجرا آزمایشی برای شماست.
لِيُجْعَلَ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ [حجج / ۵۳]؛ تا این که خداوند القای شیطان را از مونی برای آن ها که در قلبشان بیمار است، قرار دهد.

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ [قمر / ۲۷]؛ ما «ناقه» را برای آزمایش آن ها می فرستیم.
وَ حَسِبُوا إِلَّا تَكُونُ فِتْنَةً فَعَمُوا وَ صَمُّوا [مائده / ۷۱]؛ و گمان کردند آزمایشی در کار نیست، در نتیجه کور و کر شدند.^۷
فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوْلَانَهُ نِعْمَةً مَنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ [زمر / ۴۹]؛ انسان چنین است که وقتی گرفتار می شود ما را می خواند و همین که نعمتی به او ارزانی می داریم، می گوید این از علم خودم به دست آمده، لیکن همین نعمت، فتنه و آزمایش اوست.

وَ ظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ [ص / ۲۴]؛ داوود فهمید که ما با این صحنه او را آزمودیم، پس طلب آمرزش کرد.
إِنَّا جَعَلْنَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ [صافات / ۶۳]؛ ما آن (شجره زقوم) را برای ستمکاران مایه آزمایش قرار دادیم.
وَ مَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرْتَابُكَ إِلَّا فِتْنَةً [اسراء / ۶۰]؛ ما آن رؤیایی که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود.

فَنَجِّنَاكَ مِنَ الْعَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فَتُونًا [طه / ۴۰]؛ و نجات دادیم از غم و امتحانت کردیم امتحانی دقیق (در خطاب به حضرت موسی (علیه السلام))
در تمامی موارد مذکور، بحث های مفصل تفسیری و شان نزول هر یک بیان شده که جای تأمل دارد؛ زیرا هر یک از این موارد که به معنای آزمایش و یا اسباب آزمایش می باشند، بی شک در زندگی

در این مواردی که فتنه به معنای آزمایش در قرآن استعمال شده است، مورد جالب توجهی وجود دارد که در آن خداوند آب را فتنه معرفی می‌کند.

و رنج‌هایی است که در آن مشاهده می‌شود.^{۱۰}

فتنه به معنای عذاب یا اسباب عذاب اخروی

در مورد استعمال فتنه به معنای عذاب و یا اسباب آن، چنین آمده است: «اگر فتنه در مورد ماده محسوس به کار رود، به معنای سوزاندن آتش (عذاب اخروی) است، چنان که نقره و طلا را برای جدا شدن خالصی از ناخالصی می‌سوزانند.»^{۱۱} بر این اساس در مواردی در آیات قرآن، فتنه در معنای عذاب اخروی به کار برده شده است.

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۖ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ [ذاریات / ۱۳ و ۱۴]: روزی است که همین خراصان در آتش گذاخته می‌شوند و به ایشان گفته می‌شود بچشید آن عذابی را که می‌خواستید در آمدنش عجله نبود. وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَتَذُنْ لِيْ وَلَا تَفْتِنِنِيْ اِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ [توبه / ۴۹]: و از ایشان کسی هست که می‌گوید دستوری ده مرا و به فتنه می‌فکن مرا. آگاه باشید که در فتنه افتادند و دوزخ گرد برآمده است به کافران.

فتنه به معنای اغفال، تفرقه‌افکنی و ایجاد نفاق

شاید این مورد بیشترین مطابقت را با معنای فتنه که در ذهن افراد متبادر می‌شود، داشته باشد. در آیاتی از قرآن، خداوند از فریب و اغفال عده‌ای توسط دیگران سخن می‌گوید که موجب ایجاد نفاق و تفرقه و فساد در جامعه می‌شود. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت فتنه در این جایگاه از سوی پنج گروه القاء می‌شود:

۱. شیطان

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ [اعراف / ۲۷]: ای پسران آدم! شیطان فریبتان ندهد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.

۲. منافقین

وَلَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ [توبه / ۴۷]: و در میان شما به سرعت فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌کردند.

«(خداوند) به مسلمانان اخطار می‌کند که مراقب باشید افرادی ضعیف‌الایمان در گوشه و کنار جمعیت شما وجود دارند که زود تحت تأثیر این گروه منافق قرار می‌گیرند.»^{۱۲}

۳. بدعت‌گذاران

وَ أَحْذَرُهُمْ اَنْ يَّفْتِنُوْكَ عَنْ بَعْضِ مَا اَنْزَلَ اللهُ اِلَيْكَ

بندگان رخ می‌دهند و آشنایی با آن‌ها شاید به پیروزی در امتحانات و آزمایش‌های الهی بینجامد که در واقع «فتنه خداوندی» هستند و با حکمتی ویژه از خداوند سر زده‌اند.

در این مواردی که فتنه به معنای آزمایش در قرآن استعمال شده است، مورد جالب توجهی وجود دارد که در آن خداوند آب را فتنه معرفی می‌کند.

لَا سَفِيْنًا لَهُمْ مَّاءٌ عَدُوًّا ۗ لِنَفْسِنَهُمْ فِيْهِ [جن / ۱۶ و ۱۷]: ما ایشان را آبی گوارا و زیاد می‌چشانیم تا در آن آزمایش‌شان کنیم.

فتنه به معنای شرک به خدا

در آیاتی خداوند فتنه را در مورد شرک مشرکین به کار برده است، آن‌جا که می‌فرماید:

يَسْتَجِدُّونَ اٰخِرِيْنَ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّامْنُوْكُمْ وَيَاْمُنُوْا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُذِّقُوا اِلَى الْفِتْنَةِ اَرْكَسُوْا فِيْهَا [نساء / ۹۱]: چیزی نخواهد گذشت که به مردمی دیگر برمی‌خورید که می‌خواهند هم شما را از شر خود ایمن سازند و هم قوم خود را و هرگاه به سوی فتنه شرک دعوت می‌شوند، اجابت می‌کنند.

وَلَوْ دَخَلْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ اَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوْا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا [احزاب / ۱۴]: آنان چنان بودند که اگر دشمنان از اطراف و جوانب مدینه به آنان وارد می‌شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آن‌ها می‌کردند، می‌پذیرفتند.

فتنه به معنای بلا و مصیبت دنیوی

در برخی از آیات که فتنه معنای کاربردی آزمایش را دارد (و ذکر گردید)، برخی از مفسرین معنای بلا و مصیبت دنیوی را استنباط نموده‌اند، لذا برخی از موارد این بخش با فتنه به معنای آزمایش مشترک می‌باشد، چرا که اختلاف معنایی از دیدگاه مفسرین وجود دارد. در مجموع در مواردی معنای بلاهای دنیوی از واژه فتنه در قرآن استخراج می‌شود.

وَ حَسْبُوْا اِلَّا تَكُوْنُ فِتْنَةٌ فَعَمُوْا وَ صَمُّوْا [مائده / ۷۱]: با این حال آنان گمان می‌کردند که بلا و مجازاتی دامنشان را نخواهد گرفت، لذا (از دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق) نابینا و کر شدند.^{۱۳}

وَ اِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ اَنْقَلِبْ عَلٰی وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ [حجج / ۱۱]: اگر مصیبتی به آن‌ها برسد دگرگون می‌شوند و به کفر رو می‌آورند و به این ترتیب هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را.

فَلْيَحْذَرِ الَّذِيْنَ يَخٰلِفُوْنَ عَنْ اَمْرِهٖ اَنْ يُصِيْبَهُمْ فِتْنَةٌ اَوْ يُصِيْبَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ [نور / ۶۳]: کسانی که خلاف فرمان او می‌کنند، نترسند که بلیه یا عذابی دردناک به ایشان برسد.^{۱۴}

فَاِذَا اُوْدِيَ فِيْ اللّٰهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللّٰهِ [عنکبوت / ۱۰]: چون در مجاهدت‌های راه خدا آزار ببینند، آزار از مردم را چون عذاب خدا می‌دانند. در بیان این‌که در این مورد فتنه متضمن معنای بلا و رنج است، مؤلف مجمع‌البیان فرموده: «بنابر این بین عذاب مردم که فانی و پایان‌پذیر است و بین عذاب خداوند که دائمی و همیشگی است، هیچ فرق نگذارد؛ چون که تمیزش کم و قدرت بیان او اندک است. این‌که خداوند اذیت و آزار مردم را «فتنه» نامیده، به منظور مشقت



مؤلفه مجمع‌البیان: این که خداوند اذیت و آزار مردم را «فتنه» نامیده، به منظور مشقت و رنج‌هایی است که در آن مشاهده می‌شود.

[مائده / ۴۹]؛ بر حذر باش که مبادا تو را از بعضی احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند.

۴. شبهه‌گران

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ [آل عمران / ۷]؛ آنان که در دل‌هایشان انحراف است، تنها آیات متشابه را پیروی می‌کنند تا به این وسیله فتنه به پا کنند.

۵. ستمگران

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ [بروج / ۱۰]؛ محققاً این ستمگران و همه ستمگران روزگار هستند که مؤمنین و مؤمنات را گرفتار می‌کنند.^{۱۳}

آنچه تاکنون بیان گردید، معانی پنج‌گانه فتنه در قرآن شامل امتحان، عذاب، بلا، نفاق و شرک بود؛ اما آیاتی در قرآن به روشنی در مورد فتنه‌گران اخطار داده و حتی نحوه برخورد با ایشان را تبیین می‌نماید.

اخطار قرآن بر فساد انگیزی فتنه

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ [انفال / ۷۳]؛ و کسانی که کفر ورزیدند، بعضی شان اولیای بعضی دیگرند (اولیای همند) و اگر آنچه قبلاً دستور دادیم انجام ندهید، فتنه‌ای در زمین و فساد بزرگ را به بار می‌آورد. علامه طباطبایی ذیل این آیه چنین فرمودند: «معلوم است که دوستی کفار که دشمن چنین جامعه‌ای هستند، موجب می‌شود افراد اجتماع با آنان خلط و آمیزش پیدا کنند و اخلاق و عقاید کفار در بین ایشان رخنه یابد و در نتیجه سیره و روش اسلامی که مبنایش حق است، به وسیله سیره و روش کفار که اساسش باطل و پیروی از هوی و در حقیقت پرستش شیطان است، از میان آنان رخت بر بندد. همچنان‌که در روزگار خود ملاحظه کردیم که چنین شد و صدق ادعای این آیه را به چشم خود دیدیم».^{۱۴}

فتنه؛ شدیدتر و بزرگ‌تر از قتل

در دو آیه، خداوند با تعابیری نسبتاً مشابه، از فتنه به عنوان شدیدتر و بزرگتر از قتل یاد می‌کند:
الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ [بقره / ۱۹۱]؛ فتنه آنان از کشتار شما شدیدتر است.
وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ [بقره / ۲۱۷]؛ فتنه جرمش از قتل بزرگ‌تر است.

در این دو آیه خداوند در مورد قتال مشرکین توسط مسلمانان در ماه حرام می‌گوید. آنچه مسلم است این‌که «کشتن مشرکان در ماه حرام اگرچه گناه است، ولی شرک و کفر آن‌ها به خدا و پیامبر مهم‌تر و شرّ و گنااهش بیشتر است. علت این‌که از شرک و کفر به فتنه تعبیر شده این است که کفر به هلاکت و بدبختی می‌کشاند و فتنه آن چیزی است که باعث بدبختی و هلاکت است».^{۱۵}





... و اما دو دعای قرآنی پیرامون فتنه

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ [ممتحنه / ۵]؛ پروردگارا! ما را مایه امتحان و فتنه کسانی که کافر شدند قرار میده و ما را پیامز که تو، آری، تو تنها عزیز و حکیمی. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ [یونس / ۸۵]؛ خداوند! ما را دستخوش فتنه (و بلای) مردم ستمکار قرار مده ...

پی نوشتها:

۱. فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، ص ۱۸۰۷.
۲. روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتح رازی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ج ۹، ص ۹۴.
۳. مفردات راغب، ماده فتن.
۴. نگاهی قرآنی به آزمون الهی، حسن مهدویان و احمد نظری، چاپ اول، کانون اندیشه جوان، تهران: ۱۳۸۶، ص ۲۵.
۵. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، چاپ اول، انتشارات فراهانی، تهران، ج ۱۶، ص ۱۹۹.
۶. تفسیر المیزان، سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج ۲۰، ص ۱۳۹.
۷. همان، ج ۶، ص ۹۱.
۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۵، ص ۲۸ و ۲۹.
۹. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۵.
۱۰. مجمع البیان، ج ۱۹، ص ۱۷.
۱۱. نگاه قرآنی به آزمون الهی، همان، ص ۳۰.
۱۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۴۳۴.
- ۱۳ و ۱۴. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۱۲ و ج ۹، ص ۱۸۹.
۱۵. مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۲۲.
۱۶. رک: گناهان کبیره، عبدالحسین دستغیب، چاپ ششم، انتشارات جهان، تهران، ج ۲، ص ۳۸۱.
۱۷. المیزان، ج ۹، ص ۶۳.

آنچه با تأملی اندک در این دو آیه می توان برداشت کرد، این که براساس تعالیم دینی، کشتن انسان و قتل نفس از گناهان کبیره است. از آنجا که قرآن فتنه را از قتل بزرگتر و شدیدتر می داند، لذا بی تردید فتنه از گناهان کبیره به حساب می آید.^{۱۶}

امر قرآن به مبارزه با فتنه

خداوند در دو آیه دستور به کشتار فتنه گران می دهد تا دین از آثار فتنه های آن ها محفوظ بماند: وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً لِیَقْرَهُ / ۱۹۳ و انفال / ۳۹؛ و با آنان کارزار کنید تا دیگر فتنه ای نباشد.

فراگیری آثار فتنه

درباره فراگیری آثار فتنه در میان اجتماع، قرآن به مؤمنین هشدار می دهد: وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً [انفال / ۲۵]؛ پرهیزید از فتنه ای که تنها دامن ستمکاران از شما را نمی گیرد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید: «فتنه عبارت است از این که بعضی از امت با بعضی دیگر اختلاف می کنند در امری که تمامی امت، حقیقت امر را می فهمند که کدام است، ولیکن یک دسته از قبول آن سربپیچی نموده و آگاهانه به ظلم و منکر اقدام می کنند. آن دسته دیگر هم که حقیقت امر را قبول کرده اند، آنان را نهی از منکر نمی کنند و در نتیجه آثار سوءاش دامن گیر همه امت می شود... این که خداوند همه امت را از آن زندهار داده، معلوم می شود که منظور آن ظلمی است که اثر سوءاش عمومی باشد و چنین ظلمی ناچار باید از قبیل بر هم زدن حکومت حقه اسلامی و زمام آن را به ناحق به دست گرفتن و یا پایمال کردن احکام قطعی از کتاب و سنت که راجع به حکومت حقه است، باشد.^{۱۷}